

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی و عزت نفس دانش آموزان و تاثیرات این موارد بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

هومن محمدی

دکتری حقوق / جزا و جرم شناسی موسسه آموزش عال آریو برزن زیر مجموعه دانشگاه شیراز

hmhdi5454@gmail.com

چکیده

ورود به آموزش و پرورش نقطه آغازی برای حرکت در مسیر رشد و بالندگی است در جهان امروز با توجه به پیچیده شدن فرآیند توسعه نیاز به آگاهی و دانش بیشتر شده است و تصور دست یابی به رشد و توسعه اقتصاد بدون سرمایه گذاری آموزشی اساسا محال می باشد. آموزش و پرورش یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که مسؤولیت مهمی در تربیت و آموزش بر عهده دارد نگاه گسترده به آموزش و پرورش به عنوان عامل مؤثر در به کمال رساندن انسانها اهمیت این نهاد را نشان میدهد آموزش و پرورش سرمایه گذاری دراز مدتی است که با شکوفایی و جهت دادن به آنها چگونگی رشد اقتصادی، اجتماعی جوامع را روشن می سازد. پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دارای یک رابطه متقابل می باشد یعنی از طرفی داشتن عزت نفس موجب پیشرفت تحصیلی می شود زیرا که خودباوری و تلقی مثبت از خویشتن در یادگیری و ایجاد نگرش برای تحصیل اثر می گذارد و موجب پیشرفت تحصیلی می شود از طرف دیگر موفقیت تحصیلی و رسیدن به مدارج بالا در کار آموزش موجب ارتقای عزت نفس می شود. به طور کلی پیشرفت های انسان در هر زمینه ای و تجربه ی موفقیت احساس خودباوری و ازسمنندی و توانمندی در هر مورد باعث افزایش عزت نفس می شود.

واژه های کلیدی

عزت نفس، رشد اقتصادی، پیشرفت تحصیلی، آموزش و پرورش، رشد اجتماعی

مقدمه: تعلیم و تربیت یکی از مهمترین و اساسی ترین ارکان توسعه هر جامعه به ویژه در جهان امروز هست و کشورها، درصد قابل ملاحظه ای از درآمد ملی خود را به این امر اختصاص میدهند در کشور ما نیز سالانه حدود بیست درصد از بودجه سالانه کل کشور به آموزش و پرورش اختصاص مییابد بیابان گرد (۱۳۸۸) پیشرفت تحصیلی، نیز از جمله موضوعات مهم و مورد توجه در موقعیتهای تعلیم و تربیتی است که از عوامل مختلف شخصی و موقعیتی اثر پذیر است. عوامل موقعیتی تأثیر گذار بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، خانواده همسالان و مدرسه است که نقش خانواده در انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بسیار بدیهی است به طوری که وضعیت اقتصادی اجتماعی و محیط خانواده از جمله مهم ترین متغیرهای مربوط به خانواده است که تأثیر بسزایی بر رشد تواناییهای دانش آموزان دارد. مروری بر تحقیقات انجام شده نقش متغیرهای بافتی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نیز نشان میدهد که وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده متغیری است که بیشترین حجم تحقیقات را در میان تحقیقات مرتبط به تعلیم و تربیت به خود اختصاص داده است. برای مثال تحقیقات فرا تحلیلی انجام شده در این زمینه حاکی از اهمیت وضعیت اجتماعی اقتصادی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است اقلیدس (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان داد که کودکان متعلق به خانواده ها با وضعیت اقتصادی پایین تر معمولاً انگیزش و موفقیت تحصیلی کمتری را نشان می دهند. صمد پور (۱۳۹۲)، نیز در پژوهش خود گزارش کرده است که بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد ولی کریمیان (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان داده هر چقدر وضعیت اجتماعی خانواده ها بالاتر باشد دانش آموزان به دلیل درگیری والدین افت تحصیلی بیشتری خواهند داشت. البته باید به خاطر داشت که وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین برخی خانواده ها علت بی انگیزگی و انگیزه پایین در تحصیل دانش آموزان نیست بلکه عواملی که معمولاً با وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین همراه هستند بر موفقیت تحصیلی آنها اثر میگذارند بنابراین می توان گفت شرایط و وضعیت خانوادها یکی از عواملی است که در نظام خرد و در ارتباط مستقیم با کودک یا نوجوان قرار دارد. لذا انجام تحقیق در این زمینه ضروری به نظر میرسد، افروز (۱۳۸۶). بر این اساس در پژوهش حاضر ویژگیهای خانواده به ویژه وضعیت اقتصادی و اجتماعی والدین به عنوان یک متغیر قدرتمند انگیزشی دانش آموزان برای پیشرفت و موفقیت تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته است همنوایی اجتماعی در هر جامعه ای در گرو تربیت رسمی و انتقال موارث فرهنگی به نوباوگان است که امروزه در مدارس گوناگون و بر اساس اهداف خاص و خط مشی هایی تعیین شده است. بدیهی است که این فضا جدیدی در راه اجتماعی شدن از طریق آموزش و پرورش با مشکلات و معضلاتی که موجب عدم موفقیت آنان در راه رسیدن به اهداف فراهم میکند دست به گریبان است از مهم ترین آفت های نظامهای آموزش جهانی و من جمله در کشور ترک تحصیل است که همه ساله به صورتهای گوناگون تعداد بسیاری از استعداد های بالقوه انسانی و منابع اقتصادی جامعه را هدر داده و نابسامانیهای فردی و اجتماعی بر جای میگذارد. بنابراین دست اندر کاران عوارض ناشی از افت تحصیلی را در چند جنبه مورد بررسی قرار داده اند که مهمترین آن از نظر اقتصادی است زیرا در طول تحصیل اغلب خانواده ها به دلیل استمرار وجود مدرسه و مشغله های زندگی و شرایط اجتماعی و اقتصادی پیش آمده کمتر وقتی برای برنامه ریزی اقتصادی آموزش فرزندان خود دارند و هنوز این برنامه در زندگی خانوادها جایی پیدا نکرده است آنان زمانی به اهمیت قضیه پی می برند که با ترک تحصیلی یا مردودی فرزندشان مواجه میشوند و اینجاست که به عمق فاجعه آگاهی می. یابند بدون تردید هیچ نظام آموزشی نمی تواند صد در صد به اهداف آموزشی خود برسد ولی موفق بودن هر نظام آموزشی نزدیک تر شدن هر چه بیشتر اهداف تعیین شده بستگی دارد. برای نزدیک تر شدن به اهداف نظام آموزشی حتما باید عوامل مؤثر بر ترک تحصیل را شناخت و اثرهای آن را کاهش داد در دوران کنونی آموزش و پرورش یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی هر کشور به شمار میرود که نقش بسیار اساسی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی هر کشور دارد. استقلال و تداوم یک جامعه به آموزش آن جامعه بستگی دارد (سیف، ۱۳۷۳). ورود به آموزش و پرورش نقطه آغازی برای حرکت در مسیر رشد و بالندگی است در جهان امروز با توجه به پیچیده شدن فرآیند توسعه نیاز به آگاهی و دانش بیشتر شده است و تصور دست یابی به رشد و توسعه اقتصاد بدون سرمایه گذاری آموزشی اساساً محال می باشد. آموزش و پرورش یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که مسؤولیت مهمی در تربیت و آموزش بر عهده دارد نگاه گسترده به آموزش و پرورش به عنوان عامل مؤثر در به کمال رساندن انسانها اهمیت این نهاد را نشان میدهد آموزش و پرورش سرمایه گذاری دراز مدتی است که با شکوفایی و جهت دادن به آنها چگونگی رشد اقتصادی، اجتماعی جوامع را روشن می سازد. آموزش حق طبیعی هر انسان و جزء اصول بدیهی زندگی به حساب میآید طبق ماده ۲۰

اعلامیه حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید همه افراد حق دارند از آموزشهای مقدماتی عمومی رایگان بهره مند شوند. ادامه تحصیل در جهان به عنوان یک ارزش شناخته می شود و جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و در اصل سیام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصلی تحت عنوان حقوق ملت آمده است که دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان همه ملت را تا پایان دوره متوسطه فراهم کند و وسایل و تسهیلات تحصیل دوره عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد آموزش و پرورش نجات دهنده هر جامعه از رکود و انحطاط و توسعه دهنده آن در جهت ترقی و پیشرفت است و به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی نقش تعیین کننده ای در تربیت افراد و جامعه دارد و این آموزش و پرورش است که مسؤولیت عظیم، باروری، رشد و شکوفایی همه جانبه استعدادها و نسل کنونی و آتی جامعه را به عهده دارد. نظام آموزشی میتواند نابرابریهای اجتماعی را کاهش دهد نردبانی باشد برای ارتقای افراد از طبقه اجتماعی و اقتصادی پایین تر به طبقه بالاتر، موقعیت شغلی و اقتصادی بهتر و مرتبه اجتماعی بالاتری برای آنان فراهم کند. این نهاد در نیل به اهداف از مشکلات فراوانی رنج می برد که یکی از مهمترین مسائل نظامهای آموزش و پرورش در جهان ترک تحصیل و اتلاف در آموزش باشد که می هر ساله مبالغ مادی و معنوی و انسانی قابل توجهی از این بابت تلف می شود. در کشورهای جهان سوم این معضل به شدت رو به افزایش است. بنابراین تحقیق برای شناخت و تجزیه و تحلیل علل ترک تحصیل برای برنامه ریزی بهتر و افزایش کارایی نظام آموزش و پرورش ضروری می باشد. با یافتن علل و عوامل ترک تحصیل و کارایی نظام آموزشی راهای مقابله با آن مشخص میشود و در نتیجه با نگرشی سریع و دقیق می توان از اتلاف منابع مالی و انسانی تا حد زیادی جلوگیری کرد ترک تحصیل امروزه یکی از نگرانیهای مهم جامعه و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد زیادی از دانش آموزان در کشورهای مختلف جهان با این پدیده مواجه اند این پدیده علاوه بر زیان های هنگفت اقتصادی که برای خانوادهها دارد سلامت روحی دانش آموز را نیز مخدوش مینماید ترک تحصیل علاوه بر آثار سوء اقتصادی، در شکل ملی تاثیر ناگوار بر سلامت روانی دانش آموزان داشته و نگرانی نامطلوبی برای خانوادهها به دنبال دارد ترک تحصیل روندی است که به مرور زمان شکل می گیرد. از این دیدگاه علایم خطر برای دانش آموزانی که در معرض ترک تحصیل قرار دارند از سال دبستان به چشم می خورد. بر اساس پژوهشهای جدید سالیانه ۲۵ درصد و بیش از آن دانش آموزان به ترک تحصیل می پردازند و این درصد در جهان می باشد که در کشور ایران میانگین این درصد بیشتر است و حدود ۳۷ درصد می باشد در روند کاهش جمعیت دانش آموزی که در یک برهه زمانی گذشته به ۱۸ میلیون نفر کاهش یافته بود تعداد کسانی که به تحصیل ادامه دادند ۱۲ میلیون نفر بودند که شش میلیون نفر به جرگه ترک تحصیلی پیوستند از آنجایی که عوامل متعددی وجود دارد که بر آموزش و پرورش تاثیر دارد و این عوامل بیش از پیش بر تعداد ترک تحصیل دانش آموزان می افزاید. مسائل اقتصادی آموزش و پرورش در کلام رهبری: اقتصاد آموزش و پرورش یکی از الزامات اساسی آموزش و پرورش مسأله اقتصاد آموزش و پرورش؛ معیشت معلمان می باشد. لذا بایست مسأله . معیشت معلمان مورد توجه قرار گیرد. به نظر می رسد پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دارای یک رابطه متقابل می باشد یعنی از طرفی داشتن عزت نفس موجب پیشرفت تحصیلی می شود زیرا که خودباوری و تلقی مثبت از خویشتن در یادگیری و ایجاد نگرش برای تحصیل اثر می گذارد و موجب پیشرفت تحصیلی می شود از طرف دیگر موفقیت تحصیلی و رسیدن به مدارج بالا در کار آموزش موجب ارتقای عزت نفس می شود. به طور کلی پیشرفت های انسان در هر زمینه ای و تجربه ی موفقیت احساس خودباوری و از شمندی و توانمندی در هر مورد باعث افزایش عزت نفس می شود. ویلیام جیمز اضرار می دارد که هر چند مفهوم خود و عزت نفس بسیار شبیه به هم هستند اما عزت نفس اشاره به به سطوح ارزشمندی دارد که فرد برای خود قایل است و به معنی درک و دریافت جایگاه و منزلت خود می باشد جیمز در اواخر 1880 مطرح نمود که عزت نفس را میتوان براساس میزان ارتباط بین خود واقعی و خود آرمانی تعریف نمود. فاصله بین خود واقعی و خود آرمانی هر چقدر کمتر باشد فرد از عزت نفس بالاتری برخوردار است و هر چقدر فاصله بین این دو بیشتر باشد میزان عزت نفس پایین تر خواهد بود رابسون عزت نفس را عبادت میدانند از حس رضامندی خویشتن پذیری که از ارزیابی شخص درباره ی ارزشمندی قدرت و منزلت و جذابیتشایستگی و کفایت و توانایی برای ارضای تمایلات و خواسته های خود منتج می شود. عزت نفس، احساس ارزش، درجه تصویب تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خویشتن احساس می کند (شاملو، 1372). وقتی سخن از عزت نفس به میان می آید ارزش شخصی یا احساسی که از فرد در نظر اعضای گروه مجسم می شود مطرح می گردد. یکی از پیچیده ترین و ناراحت کننده ترین مسائل شخصیتی عقده حقارت است. کودکانی که احساس بی لیاقتی و عقب ماندگی می کنند کمتر برای موفقیت و انجام دادن کارها به تلاش و کوشش دست می زنند. رشد سالم شخصیت ایجاد می کند که شخص نه فقط برای شناخت خود، بلکه بیشتر برای پذیرش خود فعالیت کند پژوهش های ارزشمندی درباره ی ارتباط

خودشناسی فرد در رابطه با رشد سالم و سازگاری‌های شخصیتی افراد انجام گرفته و نتایج مثبت و سودمندی به بار آورده است (پارسا، 1376) در زمینه رابطه‌ی بین احساس ارزشمندی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی، نظر مربیان و اساتید و متخصصان تعلیم و تربیت بر این است که عوامل روحی و روانی تأثیر بسیار بالایی در موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد پژوهش‌های زیادی در زمینه پی بردن به رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی صورت گرفته است. گسترده‌ترین این تحقیقات پژوهشی است که به وسیله گیل دات انجام شده نتایج تحقیق مؤید رابطه بالا بین انگیزه پیشرفت و عزت نفس است. داشتن عزت نفس برای یک زندگی موفقیت‌آمیز لازم است بنابراین باید به تقویت آن در بین دانش‌آموزان پرداخت. از آنجا که عزت نفس کودک زمینه و اساس ادراکات وی از تجارب زندگی را مهیا نماید، امری ارزشمند محسوب می‌گردد شایستگی عاطفی-اجتماعی که از چنین شناخت مثبت از خود ناشی می‌شود، می‌تواند به عنوان نیرویی در مقابل مشکلات جدی آینده به کودک کمک کند. عزت نفس جنبه مهمی از عملکرد و کشش کلی کودک است و به نظری می‌رسد به صورت تعاملی با زمینه‌های دیگری از جمله سلامت روانی و عملکرد تحصیلی ارتباط دارد به این معنی که عزت نفس می‌تواند علت و هم معلول نوعی از عملکرد باشد که در سایر حوزه‌ها رخ می‌دهد (پپ و همکاران، 1988). در بحث از اهمیت و ضرورت موضوع می‌توان به آیات قرآن و احادیث مراجعه نمود. خداوند در سوره فاطر آیه ده می‌فرماید: «هر که طالب عزت است بداند که تحکم و عزت خاص خدا است، کلمه نیکوی توحید و (روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد.» در سوره منافقون آیه هشتم آمده است که: «عزت خاص خدا و رسول و مؤمنین است». پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است: «زندگی که در آن انسان زبردست و خوار باشد مردن از آن بهتر است و مردنی که با پیروزی مقرون باشد، صدهزار بار بر زندگی ذلت‌بار ترجیح دارد.» همچنین پیامبر گرامی می‌فرماید: کسی که نفس خود را شناخت به یقین خدا را شناخته است حضرت علی (ع) می‌فرماید: خویشتن‌شناسی سودمندترین دانش‌هاست. این تصور وجود دارد که هر دانش آموزی با توجه به شخصیت خود و تمایلات و علاقه مندی و خصوصیاتش، دارای برخی نگرش‌ها می‌باشد در صورتی که نگرش تحصیلی از دیدگاه علم روان‌شناسی، اجتماعی و جامعه‌شناسی علاوه بر فردی بودنش دارای بعد اجتماعی گسترده از جمله محیط، اطرافیان، پدر و مادر و معلم سایر افراد گروه‌هایی که دانش آموز با آن‌ها به نحوی برخورد دارند که در ایجاد و پرورش و تحکیم نگرش‌های مثبت یا منفی به رشته تحصیلی وی مؤثرند. (بسانت، 1995). زندگی بشر در عصر حاضر، بیش از هر دوره دیگر با پدیده فرهنگ نسبت دارد. فرهنگ هر ملتی، نشانه هویت و استقلال آن ملت است. کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری نشانه حیات و قدرت یک جامعه است و ویرانی و انهدام یک فرهنگ، ویرانی یک ملت است. تعلیم و تربیت انسان‌ها و به تبع آن برنامه‌های درسی، برای ایجاد تغییر و تحول در انسان‌ها به کار گرفته می‌شوند، هیچ نظام تربیتی را نمی‌توان یافت که برای تربیت انسان‌ها کوشش کند ولی جهت‌گیری مشخص در این کار نداشته باشد. به همین دلیل کار تعلیم و تربیت در بین همه امور زندگی، حساسیت و اهمیت خاص می‌یابد و پرداختن به آن یک اقدام زیر بنایی و مهم تلقی می‌شود. در تفکر راجع به ماهیت و مبنای تعلیم و تربیت، مقولاتی خود را نشان می‌دهند که نمی‌توان از کنار آنها به سادگی گذشت. یکی از این مقولات: «فرهنگ» می‌باشد (زاد عبدالله و عزیز، 1392) به گفته برون (1996) بهبود اثر بخش و مستمر آموزش و غنی‌سازی یادگیری، جز با فهم ما از چگونگی آموزش و یادگیری در موقعیت‌های فرهنگی، فراهم نمی‌شود. آموزش و یادگیری در فرآیندی از مناسبات اجتماعی پیچیده، که تجلی باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و کیفیت رفتار انسان‌ها است، شکل می‌گیرد. با وجود بنیادهای نظری مشترک در نظریه‌های آموزش و یادگیری، بسیاری از برنامه‌های آموزشی و درسی در جهان، مفاهیم اساسی خود را از فرهنگ و اندیشه‌های غالب در هر جامعه می‌گیرند و در بستر فرهنگی و اجتماعی آن‌ها به بار می‌نشینند. بنابراین لازم است میزان اثر بخشی نظریه‌های آموزش و یادگیری را در بستر فرهنگی هر جامعه مورد مطالعه قرار داد و میزان کارآمدی آن‌ها را با توجه به ویژگی‌ها و شاخص‌های فرهنگی آموزش و یادگیری آن مورد بررسی قرار داد (سرکار آرائی، 1389) آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای از مجموعه‌ی باورها، سبک‌های زندگی، اعتقادات، آداب و رسوم، پیش فرض‌های ذهنی و مناسبات فکری و رفتاری آن جامعه نشأت گرفته است و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. روش سازماندهی کلاس درس، الگوهای رفتاری معلم، برنامه‌های درسی، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، محتوای کتاب‌های درسی، ابزارها و روش‌های آموزش سبک‌های یادگیری، راه‌های پرورش و بازبینی اندیشه‌ها و باز اندیشی عمل تربیتی و باورها و انتظاراتی که دانش‌آموزان و معلمان درباره نقش و هدف‌هایشان از فعالیت‌های تربیتی و فرآیند آموزش و یادگیری دارند، جلوه‌های ارتباط آموزش، یادگیری و برنامه درسی را با فرهنگ نشان می‌دهد (سرکار آرائی، 1389) آموزش و پرورش حلقه و زنجیره متصل‌کننده تجربیات بشری در اعصار گوناگون بوده است. آموزش و پرورش به حق یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نظام‌های اجتماعی محسوب می‌شود، سازمانی که از دیر باز

نقشی سازنده در بقاء و تداوم فرهنگ و تمدن بشری داشته و امروز نیز سنگ بنای توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه‌ای است موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیانگر نظام آموزشی کارآمد و موفق است که توسعه‌ی پایدار از نتایج حتمی چنین نظامی خواهد بود. زیرا آموزش و پرورش از ارکان اساسی رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور به شمار می‌رود و امروزه نقش آن در بهبود شرایط زندگی افراد و جامعه بر همگان آشکار است. همچنین جامعه در گذر از جامعه‌ی سنتی به مدرن نیاز به نیروهای کارآمد از هر دو جنس دارد در هر جامعه فلسفه‌ی اجتماعی خاصی حاکم بر آداب و رسوم، افکار و عقاید و تمایلات مردم آن جامعه است. بنابراین بررسی جنبه‌های فرهنگی هر جامعه ضروری است. (شریعتمداری، ۱۱، ۱۳۸۰) این مقاله به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و با لحاظ کردن مسائل و نیازها به ارائه‌ی راهکارهای جدید می‌پردازد فرهنگ و عناصر آن: عقاید و باورها، نگرش‌ها، علائق و گرایش‌ها رفتارها و آداب شخصی آیین و رسوم اجتماعی اگر مصداقی از این پنج عنوان در جامعه رواج پیدا کرد، می‌توان آن را جزئی اساسی از فرهنگ یک جامعه نامید و عنصری از عناصر فرهنگی آن جامعه قلمداد کرد. امور دیگری نیز ممکن است در جامعه رواج پیدا کرده و فراگیر شوند، اما آنها را جزء فرهنگ آن جامعه به حساب نمی‌آوریم، قانون یکی از این موارد است. قانون معمولاً یک حکم فراگیر است که در جهت اصلاح و تنظیم رفتار جامعه، وضع شده است. هر چند قانون امری فراگیر است که تأثیرات گسترده‌ای بر رفتار فردی و اجتماعی همه افراد جامعه می‌گذارد، ولی جزئی از فرهنگ جامعه نیست. خارج کردن برخی موارد رواج یافته در جامعه از ذیل مفهوم فرهنگ، بدین معنی نیست که این امور با فرهنگ جامعه ارتباطی نداشته باشند. بلکه این امور، هم از فرهنگ جامعه متأثر می‌شوند و هم بر فرهنگ جامعه اثر می‌گذارند (پایگاه اطلاع‌رسانی بیان معنوی، ۱۳۹۱) زندگی در مدارس و کلاس‌ها، جلوه‌ای از اجتماع گسترده بوده و از آن جدا نیست، فرهنگ نمی‌تواند در سطح مدرسه باقی بماند. مشخصه و پویایی زندگی مدرسه، به وسیله ارزش‌ها که خود از طریق وجوه دیگری از زندگی ملی شکل می‌گیرند، تجسم می‌یابد. فرهنگ در یک تحلیل و فهم تطبیقی، مسلماً همه چیز نظام‌های آموزشی است». بسیاری از پژوهشگران، ادعای تأثیر فرهنگ بر پیشرفت‌های تحصیلی کودکان و برنامه‌های درسی را تایید می‌کنند.

نتیجه گیری: باید دانست که عوامل متعددی بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است از آن جمله میتوان به عوامل اقتصادی اجتماعی حاکم بر خانواده اشاره کرد که ارتباط مستقیمی با تحصیلات درآمد شغل و سن والدین و هم چنین تعداد فرزندان خانواده دارد، بنابراین کاملاً مبرهن است که رفاه اقتصادی تأثیرات بسیار مهمی بر تحصیلات و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. آموزش و پرورش را می‌توان یکی از نهادهای تعیین‌کننده بنیادهای فرهنگی و اخلاقی یک جامعه دانست. این نهاد از یکسو با کودکان، نوجوانان و جوانان خلاق، مبتکر و مستعد و از طرف دیگر با طیف گسترده‌ای از مردم به عنوان خانواده‌ها یا اولیای دانش‌آموزان در ارتباط است و تعلیمات و آموزش‌های خود را چه مثبت و چه منفی به پیکره جامعه تزریق می‌کند. بنابراین توجه بیش‌تر به تعلیم و تربیت، مهم‌ترین عامل پیشرفت فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است که اثرهای آن متوجه جامعه و خانواده خواهد شد. استرس و فشارهای روانی نیز، امروزه بیش از پیش برای افراد ملموس است. در هر گردهم‌آیی، انسانها از انواع فشارها، صحبت به میان آورده و به نوعی نارضایتی خود را اعلام می‌کنند. دانش‌آموزان نیز از این مقوله، مستثنی نیستند. آنان از یک سو طالب پیشرفت تحصیلی هستند، از سوی دیگر آنطور که باید، نظر خانواده و مدرسه را نمی‌توانند تامین کنند. به باور بروئر (۱۹۹۶) آموزش و پرورش یک جزیره نیست، بلکه بخشی از قاره‌ی فرهنگ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یادگیری، پیشرفت تحصیلی و به طور کلی تعلیم و تربیت و برنامه درسی یک جامعه تحت تأثیر فرهنگ و عناصر فرهنگی آن جامعه قرار دارند. بنابراین، آموزش، یادگیری و برنامه‌های درسی همواره در موقعیت‌های فرهنگی تحت تأثیر عقاید و باورها، نگرش‌ها، علائق و گرایش‌ها، رفتارها و آیین و رسوم اجتماعی حاکم بر جامعه قرار دارند و از چنین عناصری تأثیر می‌پذیرند مدارس به عنوان مکانی برای ایجاد ارتباطات انسانی عمیق در نظر گرفته می‌شوند، دانش‌آموزان انگیزه پیدا می‌کنند تا بهترین انسان‌هایی باشند که می‌توانند. چگونه عقاید، نگرش‌ها، گرایش‌ها و ... در بین خانواده‌ها، نظام آموزشی و مدارس (مانند سطح سواد والدین یا تفکر نژاد پرستی و ...) می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در برنامه‌های درسی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایجاد کند. والدین اولین الگوها و سرمشق‌های کودکان هستند و به دلیل ویژگیهای تقلیدپذیری کودکان، قسمت اعظم یادگیری آنان از طریق مشاهده رفتار والدین صورت می‌گیرد. ماتینز معتقد است که والدین خودتنظیمگر میتوانند از طریق فراهم کردن تسهیلات لازم برای یادگیری (از قبیل تخصیص زمان مناسب برای مطالعه، تهیه مکان مناسب و منابع مورد نیاز جهت مطالعه) و نشان دادن (الگو یا

مدل) چگونگی و چرایی استفاده از راهبردهای خودمهارگری در موقعیتهای عینی فرزندان را در تنظیمگری و خودکنترلی و در نهایت عملکرد تحصیلی یاری رساند. دانش آموزانی در مدارس دیده می شوند که خودپنداره پایینی دارند که این خودپنداره پایین در اثر شکست های مکرر آن ها می باشد. این دانش آموزان اغلب شکست های خود را به عدم توانایی نسبت می دهند و سرانجام به درماندگی آموخته شده مبتلا می شوند. بنابراین نظام آموزشی باید به گونه ای برنامه ریزی گردد تا دانش آموزان شکست های خود را به جای این که به عدم توانایی نسبت دهند به عدم کوشش نسبت دهند. امروزه باورهای خودکارآمدی به عنوان یکی از مهم ترین و اصلی ترین عوامل در تبیین رفتارهای انسانی محسوب می شود. نقش باورهای خودکارآمدی در عملکرد انسان این است که سطح انگیزه، شرایط مطلوب و اعمال افراد را بیش تر بر پایه آن چه که آن ها اعتقاد دارند، قرار می دهد تا آن چه که واقعاً درست است؛ به همین خاطر چگونگی رفتار انسان می تواند به وسیله باورهایی که در مورد توانایی هایشان دارند بهتر پیش بینی بشود تا به وسیله آن چه که واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند. بنابراین باورهای خودکارآمدی به ما کمک می کند که تعیین کنیم افراد با دانش و مهارت هایی که دارند چه کارهایی را می توانند انجام دهند. در بیش تر تحقیقات مشاهده شده است که باورهای خودکارآمدی افراد بیش از سایر متغیرهای انگیزشی نظیر خودپنداره یا عزت نفس و حتی در مواردی بیش از متغیرهایی مثل توانایی یا استعداد می تواند پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی باشد. در نتیجه این تأثیرات، باورهای خودکارآمدی و تعیین کننده ها، پیش بینی کننده های قوی سطح عملکرد ما هستند. بندورا معتقد است که باورهای خودکارآمدی بر میزان سعی و کوششی که فرد در یک فعالیت از خود نشان می دهد و مدتی که فرد می تواند در برابر کارها و تکالیف مشکل استقامت و پایداری نشان دهد، تأثیر می گذارد.

منابع

- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۱)، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات تهران، چاپ ششم
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۱)، مقدمه ای بر روش های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ دوازدهم.
- روشه، گی، (۱۳۷۶)، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات تبیان، تهران.
- ریترز، جورج، (۱۳۸۲)، نظریه ی جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، چاپ هفتم.
- شریعتمداری، علی، (۱۳۸۰)، رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، انتشارات سمت، تهران.
- علوی تبار، علی رضا، (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری کشور، چاپ اول
- کانت، امانوئل، (۱۳۶۳)، تعلیم و تربیت، ترجمه غلام حسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- گروه مشاوران یونسکو، (۱۳۸۲)، فرآیند برنامه ریزی آموزشی، ترجمه فریده مشایخ، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ دوازدهم
- اکبری، فریدون، آینده شغلی. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی، ۱۳۹۴.
- ابراهیم یقوام، صغری و حسینیزاده، غلامحسین، نظریه یادگیری محور و کاربرد آن در آموزش. مجله پژوهشی- آموزشی اطلاع رسانی، ۱۳۸۷.
- بحرینی بروجنی، مجید؛ میر شاه جعفری، ابراهیم و لیاقتدار، محمد جواد، بررسی میزان رعایت اول علمی تدوین محتوا در درس تفکر و پژوهش پایه پنجم راهنمایی، مجله رویکردهای نوین آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان. سال نهم، شماره ۲، صص ۲۶۱، ۱۳۹۳.

society; foundations of modern sociological theory, t free press,
New York

.Robinson, p. (1981), Perspectives on the Sociology of Education; London

Rutledge and kegan Pual

Iborzi, Mahboobeh(2012).Test the mediating role of beliefs, attribution for the perception of children from parents and academic achievement of students of elementary.The journal of methods and models of psychological.(9)2, 1-15.

Aunola, K, Viljaranta, J., Lehtinen, E., & Nurmi, J. E. (2013). The role of maternal support of competence, autonomy and relatedness in children's interests and mastery orientation. Learning and Individual Differences. 25, 171-177.

Bandura, Albert(1997). Self-Efficacy: The Exercise of Control. New York, NY, USA:W

Carnes-Holt, Kara(2004). Child-parent relationship therapy for adoptive families. The Family Journal 20.4: 419-426.

Controversial children. Child Development, 66 ,754-763.

Deci , E. L., & Ryan, R. M. (Eds)(2002). Handbook of self-determination research. Rochester, NY: University of Rochester Press.

Mohammadifar ,mohammadali(2018).The effect of predict the persuasiveness of the self-efficacy,and school on test anxiety: Examine the mediating role of procrastination academic.Journal of teaching and larning(Social sciences and humanities, Shiraz university). 2(9),122-145.

). [Different children who cannot ۲۰۱۰ c,ocuklar.(۱Erden, M., Okula uyum saglayamayan farkl adapt to school]. Ankara, Turkey: Arkadas, YaSinlar.

Grolnick, W.S., Carolyn, C.O., Kurowski, O., Dunlap, K.G. and Hevey, C.(2000). "Parental Resources and the Transition to Junior High" .Journal of reseach on Adolescence, 10(4), 465- 488.

Ginsburg, G. S., & Bronstein, P. (1993). Family factors related to children's intrinsic/extrinsic motivational orientation and academic performance. Child development, 64(5), 1461-1474.